

درس پنجم ( فعل سوم شخص مفرد و ضمائر منفصل و متصل آن )

### " فعل ماضی سوم شخص مفرد "

فعل ماضی سوم شخص مفرد فعلی است که درباره شخصی صحبت می کنیم که در واقع حاضر یا شنونده نیست بلکه غائب است ، وبه دو دسته تقسیم می شود که عبارت است از :

#### 2. فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث

#### 1. فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور

ابتدا به بررسی فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور می پردازیم . ✓

فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور که علامت ( شناسه ) مخصوصی ندارد ، فقط ریشه فعل ( سه حرف اصلی ) تشکیل دهنده فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور می باشد .

سوم شخص مفرد در فارسی همان " او " هست که در فارسی برای مذکر و مونث یکسان است : مانند او رفت ، او انجام داد .....

روش ساخت فعل ماضی سوم شخص مفرد در زبان فارسی :

بن فعل + شناسه = فعل ماضی سوم شخص مفرد

نوشت + ندارد = نوشت

حالا برایم سراغ روشن ساخت فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور در زبان عربی :

ریشه فعل ( سه حرف اصلی ) + علامت فعل ( شناسه ) = فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور

= كَتَبَ ( نوشته " مذکور " ) ندارد + كَتَبَ

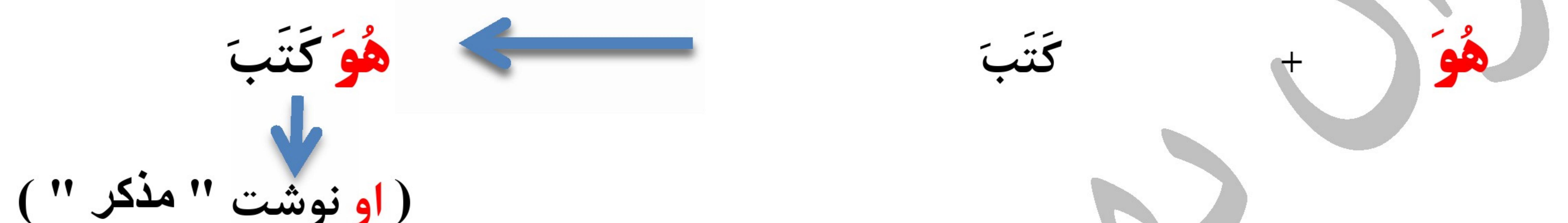


فقط ریشه فعل ( سه حرف اصلی ) = فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور

## "حالا بريم سراغِ ضمائر فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور"

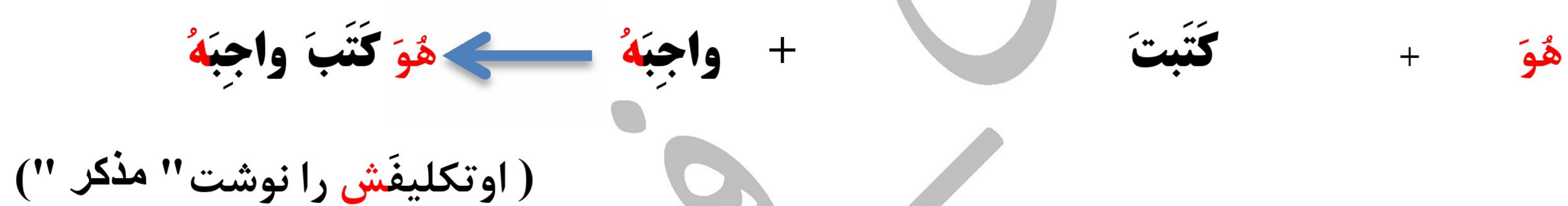
ضمیر مُنْفَصِلٌ : هُوَ

ضمیر مُنْفَصِلٌ + فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور



ضمیر مُتَّصِلٌ : هُ

ضمیر مُنْفَصِلٌ + فعل ماضی سوم شخص مفرد مذکور + ضمير مُتَّصِلٌ



✓ حالا به بررسی فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث می پردازیم.

فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث که علامت (شناسه) آن "ت" ساکن می باشد که به آخر ریشه فعل اضافه می شود.

سوم شخص مفرد در فارسی همان "او" هست که برای مذکر و مونث یکسان است : مانند او رفت، او انجام داد و.....

روش ساخت فعل ماضی سوم شخص مفرد در زبان فارسی :

بن فعل + شناسه = فعل ماضی سوم شخص مفرد

نوشت + ندارد = نوشت

حالا برایم سراغِ روش ساخت فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث در زبان عربی :

ریشه فعل (سه حرف اصلی) + علامت فعل (شناسه) = فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث

= کَتَبَ (نوشت " مونث " )      ت      +      کَتَبَ

" حالا برایم سراغِ ضمائر فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث "

ضمیر مُنْفَصِل : هي

ضمیر مُنْفَصِل + فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث

هي کَتَبَ ←      کَتَبَ + هي

( او نوشت " مونث " )

ضمیر مُتَّصِل : ها

ضمیر مُنْفَصِل + فعل ماضی سوم شخص مفرد مونث + ضمیر مُتَّصِل

هي کَتَبَ ←      کَتَبَ +      واجِهَها + هي

( او تکلیفش را نوشت " مونث " )

من تکلیفم را نوشتم.	أنا كَتَبْتُ واجِبَي		اول شخص مفرد
تو تکلیفت را نوشتی.	أنتَ كَتَبْتَ واجِبَكَ		دوم شخص مفرد
او تکلیفس را نوشت.	أنتِ كَتَبْتِ واجِبَكِ		
	هُوَ كَتَبَ واجِبَهُ		سوم شخص مفرد
	هيَ كَتَبَتْ واجِبَهَا		